

نظریه میچورین کدامست ؟

از این پسر زیر عنوان «بیاموزیم» مسائل علمی ، فلسفی و هنری تا آنجا که ممکن باشد بازبان ساده تشریح می شود . نخستین مقاله درباره تئوری میچورین است

نام «میچورین» را بیشتر خوانندگان ماشنیده اند اما شاید همه ندانند «میچورین» چه میگفت و چه نظریه تازه ای باخود آورده بود در مقاله زیر تئوریهای «میچورین» بطور ساده و مختصر تشریح میشود

در سال ۱۹۴۸ بحث سختی میان طرفداران «میچورین» دانشمند بزرگ روسی و پیروان عقاید «مندل» و «مورگان» بر سر قانون «ورانت» در گرفت «لیسنکو» طبیعی دان بزرگ شوروی و سردسته میچورین ها در نطق خود در «آکادمی» علوم کشاورزی گفت: «بچشم خود دیدیم بعضی از دانشمندان زیست شناس ما که نمی

خواستند دانش خود را بر اساس ماتریالیسم دیالکتیک پایه نهند بچه بن بستی دچار شدند . این دانشمندان که سالها در تئوریهای زیست شناسان خارجی خیره مانده بودند زحماتشان چون آب درهاون کوفتن بی ثمر می ماند و کم کم در دام نظریه برتری نژادی می افتادند .»

حال به بینیم نظریه «مورگان و مندل» کدامست و چرا باین شدت از طرف دانشمندان شوروی مورد انتقاد قرار گرفت .

مندل و مورگان معتقدند که صفات و خصایص هر سلول بوسیله «کروموسوم» **Chromosome** ها به سلولی که از آن پدید می آید منتقل می گردد . آنها معتقدند که این انتقال بطور طبیعی انجام می گیرد و بشر نمی تواند دخالت موثری در آن داشته باشد .

این نظریه را «تئوری» کروموسومی وراثت می نامند . با کمی دقت می بینیم که این نظریه دلیل خوبیست برای اثبات مدعای طرفداران «برتری نژادی» آنها هم معتقدند که خصایص هر نژاد مخصوص بخود اوست و تنها از طریق وراثت به فرزندان آن نژاد منتقل می گردد .

از روی این حساب « نژاد عالی » یا نژادی که مامور فرمانروائی بر جهانست نباید بانژاد های پست درآمیزد و خود را فاسد سازد .

« مندل » نظر بالا را در مورد همه موجودات از گیاه تا حیوان و انسان صادق می دانست « میچورین » پس از تجربه زیاد با آوردن نظریه جدیدی « مندلیزم » را رد کرد . « لیسکو » در نطق خود گفت : « آنها (پیروان مندلیزم) که در دام نظریه کروموسومی گرفتار مانده اند ناگزیر منکر امکان انتقال صفات اکتسابی از موجودی به موجود دیگر که از او پدید می آید ، می شوند ... »

با تفسیر این جمله می توان نظریه « میچورین » را دریافت . اما اساس این نظریه را باید در تحقیقات « داروین » دانستند بزرگ انگلیسی جست . « داروین » نشان داده است که انواع جانوران و نباتات از روی تئوری « انتخاب طبیعی » پدید می آیند . او ثابت کرده است همه موجوداتی که امروز بصورت های مختلف بچشم ما میخورند از موجود های یک سلولی پدید آمده اند و عامل موثر در تکامل آنها تنازع بقا و مبارزه برای زندگی بوده است . داروین نشان داده است که تنها آن موجوداتی می توانند بزندگی خود ادامه دهند که در برابر ناسازگاری های خارجی ، مجهز تر و کامل تر باشند .

« میچورین » از همین تئوری نتیجه می گیرد . او می گوید وقتی طبیعت می تواند صفات و خصایص نباتات و جانداران را تغییر دهد چرا انسان که هر روز بیشتر از طبیعت را در می یابد از عهده این کار بر نیاید ؟

طبق نظریه « میچورین » که امروز دیگر در عمل ثابت شده است باتغییر شرایط محیط می توان صفات و خصایص موجودات را تغییر داد و این صفات و خصایص اکتسابی و تازه را به اخلاف آنها منتقل کرد .

« میچورین » ثابت کرده است که صفات پدران تنها در صورتی عیناً به فرزندان آنها منتقل میشود که هر دو نسل در شرایط مساوی زندگی کنند . انسان می تواند با ایجاد تغییراتی در شرایط زندگی جانداران و نباتات صفات و خصایص آنها را در مسیر منافع خود تغییر

۱۴ ژوئیه - ۲۲ تیر

۱۷۹۸ - د این روز قلعہ باستیل زندان سلاطین فرانسه بدست ملت فتح شد و در حقیقت از این روز انقلاب بورژوازی فرانسه آغاز گردید. وقایع این روز از تاریخ نقل میشود:

«... روز هشتم ژوئیه شاه میخواست با يك کودتای نظامی و کلای ملی را دستگیر کند و مجلس مؤسسان را که میخواست طرح قانون اساسی تازه ای بریزد منحل سازد. چندتن از وکلا از شاه تقاضا کردند افواج دولتی را متفرق سازد اما شاه با غرور تمام، این تقاضا را رد کرد و بجای «نکر» نخست وزیر وقت يك نفر نظامی را منصوب ساخت. مردم که آماده انقلاب بودند زیر بار نخست وزیر نظامی نرفته و روز یازدهم تیر راه علم من از مردم بخاک افتادند اما باستیل سقوط کرد و سقوط باستیل، سقوط سلطنت «بوربنها» بود.

دوازدهم فوج المانی کارد شاهی مردم را به کلوله بست. روز ۱۳ ناقوسها بصدا در آمد و مردم با هرچه که بدست آوردند مسلح شدند. باین ترتیب قشونی برای حفظ شهر تشکیل گردید که در ظرف چند ساعت شماره افراد آن به ۱۲ هزار تن رسید.

صبح سه شنبه ۱۴ ژوئیه

مردم «هتل انوالید» را گرفتند و ۲۸ هزار تفنگ و توپ بدست آوردند. گروهی از مردم که برای تصرف «باستیل» رفته بودند با مقاومت کارد محافظان نجار و برو شدند. چون محافظین حاضر نبودند دست از مقاومت بردارند و بسوی مردم شلیک کردند هجوم به قلعه آغاز شد و پس از ۴ ساعت ۲۰۰ تن از مردم بخاک افتادند اما باستیل سقوط کرد و سقوط باستیل، سقوط سلطنت «بوربنها» بود.

دهد. پیروان «میچورین» دو آزمایشهای خود به کامیابیهای زیادی رسیده اند.

اگر سئوالی یا نظری درباره نوشته بالا دارید برای ما بنویسید در شماره دیگر از «بالت» اطلاعاتی بشما میدهیم